

ماهیت ترجمه و بررسی ویژگی های ترجمه ای در آثار و متون ادبی

لیلا ولی پور لالیمی^۱، مهتاب مجنون پور^۲

۱- فرهنگی بازنشسته و دانشجوی ارشد ادبیات عربی دانشگاه مازندران، بابلسر،

۲- پژوهشگر و محقق، دانش پژوه، فعال فرهنگی، مترجم زبان و ادبیات عربی،

چکیده

ترجمه فعالیتی است شامل انتقال یک زبان بعنوان زبان مبدأ به زبانی دیگر بنام زبان مقصد که امکان دستیابی به محتوای یک متن در زبان و فرهنگ قوم و ملیتی به زبان و فرهنگ قومی دیگر را فراهم می کند. از این رو تجربه ای موفق در تبادل فرهنگها محسوب می گردد. ترجمه ابزار تأثیر گذار مثبتی در آشنایی جوامع با جهان و مترجم تولید کننده هر اندیشه جدید در فضای خالی جامعه است و متون نوشته شده اعم از ادبی و غیر ادبی را از زبانی به زبان دیگر انتقال می دهد. امروزه به واسطه رسانه های ارتباط جمعی همه حوادث و رخدادها در اندک زمانی به زبانهای مختلف دنیا ترجمه می شود از این رو ترجمه جایگاه و اهمیت اجتناب ناپذیر در بین جوامع پیدا کرده است. ترجمه انواع مختلفی دارد که از بین آنها ترجمه متون ادبی سخت ترین نوع ترجمه است و مترجمان با چالش هایی چون "چالش نوع متن، اجزای متن و خواننده" مواجه هستند.

از جمله استعدادهایی که مترجم باید برخوردار باشد توانایی جلب توجه خواننده به متن ادبی ترجمه شده و تحریک او هنگام انتقال ایده نویسنده به صورت حرفه ای است. در این پژوهش که به صورت توصیفی-تحلیلی و به روش کتابخانه ای نگاشته شده، سعی بر آن است تا ویژگی های ترجمه در آثار ادبی بررسی و تبیین گردد. از این رو شامل مفاهیمی چون؛ ترجمه و مفاهیم آن، انواع ترجمه، اهمیت ترجمه، ویژگی های مترجم، روش های ترجمه، اصطلاح و ماهیت ترجمه ادبی، ترجمه ادبی و غیر ادبی، ماهیت آثار ادبی و ویژگی های ترجمه ای آنها، نقش مترجم در ترجمه ادبی، چالش های ترجمه متون ادبی، تکنیک مقابله در ترجمه می باشد.

کلیدواژگان: ترجمه، ترجمه ادبی، آثار ادبی، مترجم ادبی- هنری.

۱- مقدمه

مسئله ترجمه، از بنیادی ترین مسائل در قلمرو فرهنگ و اندیشه است. هر کتاب یا مقاله‌ای که در حوزه‌های گوناگون ترجمه می‌شود، دریچه‌ای نو به دنیای اندیشه‌ها پیش روی ما می‌گشاید. از ترجمه آثار عمومی و ادبی که بگذریم، همه پژوهشگران و دانشگاهیان به مهارت ترجمه نیاز دارند. آنها حتی اگر نخواهند مترجمی را پیشه خود بگیرند، برای استفاده از آثار و منابع علمی جهان در پژوهش‌هایشان، باز هم ناگزیرند با این مهارت آشنا شوند. با اینکه ترجمه امر پیچیده‌ای است اما تجربه‌ای است موفق در تبادل فرهنگی و شناخت ره آوردهای فکری و هنری ملتها و فهم میراث ادبی به یادگار مانده در قالب نظم و نثر. درحیطه‌های مختلف علم و دانش آثار زیادی قابلیت ترجمه دارند و یکی از این حیطه‌ها ادبیات می‌باشد که شامل آثار و متون ادبی و هنری گوناگونی چون شعر، داستان، رمان و... می‌باشد. ترجمه متون ادبی سخت‌ترین نوع ترجمه است که نیازمند بحث‌های نظری است تا بتوان به مترجمان راهکارهایی بهتر و دقیق‌تر در ترجمه ارائه داد. هم‌چنین بعنوان یک هنر و فن، اصول و ساختاری دارد که مترجم باید به آن آگاهی و تسلط داشته باشد. خصوصاً اینکه مترجم در ترجمه متون ادبی هم نیازمند تسلط بر علوم چون بلاغت است و هم باید در ترجمه این متون حفظ اصالت و اعتبار نویسنده و توجه به بافت خاص فرهنگی اجتماعی زبان مبدأ و نگاه جامع به جهان بینی و درک خواننده اثر ترجمه شده در زبان مقصد را در نظر بگیرد تا پس از ترجمه اثرات شگرف ذهن خلاق او، موجب ایجاد عشق و شغف برای علاقمندان به ترجمه شده و هم به اعتبار آثار ادبی و تبادل فرهنگی از طریق ترجمه کمک شایانی نماید.

۲- ترجمه و مفاهیم آن

ترجمه بر وزن "فَعَّلَهُ" در لغت به معنای برگرداندن کلمات و عبارات از یک زبان به زبانی دیگر است (ابن منظور، ۱۳۶۴: ۲۲۹) و در اصطلاح یافتن دقیق‌ترین معنی و یا نزدیک‌ترین معادل است برای واژگان زبان مبدأ در زبان مقصد با حفظ سبک و سیاق متن زبان مبدأ. به اعتبار نقش مترجم ترجمه جریانی است میان دو زبان؛ در این جریان یک پای مترجم در زبان مبدأ و پای دیگرش در زبان مقصد است و مترجم از این طریق پلی میان دو زبان برقرار می‌کند (صلح‌جو، ۱۳۶۶: ۴۳). ترجمه فعالیتی است که از طریق آن یک متن از یک زبان یعنی زبان مبدأ به زبان دیگر یعنی زبان مقصد منتقل می‌شود و در نتیجه این فعالیت امکان دستیابی به محتوای یک متن که در زبان و فرهنگ دیگر نگاشته شده است برای مخاطبان در زبان و فرهنگ دیگر فراهم می‌شود (حقانی، ۱۳۹۹: ۵۳). هم‌چنین به عنوان یک عامل فاصله‌گیر از هویت سنتی انسانها در جوامع مختلف، مسئولیت روند متمدن کردن و تقویت ذات انسانی را بر عهده گرفته است؛ به طوری که زمینه را برای هر نوع اندیشه و تفکر جدیدی فراهم کرده که در لایه‌های آن نوعی مفاهیم مدرن و جدید در جامعه زبان مقصد رونمایی می‌کند. از جهت دیگر، ترجمه به عنوان یک ابزار تأثیرگذار مثبت سعی می‌کند جامعه را با جهان جدید آشنا کند و مترجم بنا بر نیاز جامعه هر گونه اندیشه جدیدی را در فضای خالی جامعه تولید کند؛ در حقیقت این مترجم است که یک فکر را انتقال می‌دهد و سعی می‌کند مخاطبان را با شیوه‌های روایی متنوعی آشنا کند (کبیری و همکاران، ۱۴۰۱: ۳۹).

ترجمه راهبردی دیرینه در تفاهم میان ملتها و ابزاری بنیادی در گفت و گوی اقوام متمدنی است که هر یک زبانی خاص دارند، و تجربه‌ای است موفق در تبادل فرهنگی و آشنایی با ره آوردهای عقل جمعی و اندیشه‌های گوناگون بشری، شناخت ره آوردهای فکری و هنری ملتها و فهم میراث ادبی که در قالب نظم و نثر به یادگار مانده که در واقع حاصل تجربیات و یافته‌های فکری آنهاست و سازه‌های اصلی فرهنگ و تمدن آنان را تشکیل می‌دهد که تا حد زیادی در گرو ترجمه متونشان میسر می‌گردد (اقبالی، ۱۳۸۸: پیشگفتار).

یوجین نیدا زبان‌شناس و نظریه‌پرداز برجسته آمریکایی ترجمه را چنین تعریف کرده است:

«ترجمه عبارت است از بازسازی نزدیک‌ترین معادل طبیعی پیام زبان مبدأ در زبان مقصد، نخست از نظر معنی و سپس از لحاظ سبک» (نیدا، ۱۳۹۳). این تعریف با وجود قدمت آن، هنوز هم جامع‌تر، ساده‌تر و کوتاه‌تر از اکثر تعاریف است. نیدا برای روشن شدن مفهوم تعریف خود، واژه‌های آن را در کتاب نظریه و کاربری ترجمه شرح داده است:

«زبان مبدأ و زبان مقصد، دو زبانی هستند که ترجمه از اولی به دومی صورت می‌گیرد.»

اگر متنی از انگلیسی به فارسی ترجمه شود، انگلیسی زبان مبدأ (یا اصلی) و فارسی زبان مقصد محسوب می‌شود. پیام، مطلب مهمی است که به صورت نوشتار یا گفتار و با هدف خاصی از شخصی به شخص یا اشخاص دیگر انتقال می‌یابد. «بازسازی، عبارت است از انتقال پیام نویسنده یا گوینده به مخاطبان زبان مقصد توسط مترجم.» نیدا با وقوف به این حقیقت که بازسازی کامل متن در زبان مقصد غیرممکن است، عبارت «نزدیک‌ترین معادل طبیعی» را در تعریف خود به کار برده است (همان). منظور او از این سه واژه این است که اولاً برای عناصر زبان مبدأ «معادل» مناسب انتخاب شود، ثانیاً این معادل‌ها در زبان مقصد به نحوی آرایش یابند که برای گویشوران آن زبان حالت «طبیعی» داشته باشند و بوی ترجمه از آن‌ها استشمام نشود. منظور از «نزدیک‌ترین معادل»، وفادارترین معادل به متن مبدأ است. به عبارت دیگر، در متن ترجمه شده باید سعی شود که نه تأکید بیش از حد بر معادلیابی دقیق شود که بر انسجام متن ترجمه و انتقال پیام تأثیر منفی بگذارد و نه در روند (سلیمانی‌پور و اشرفی، ۱۴۰۰: ۴).

۱-۲- انواع ترجمه

"پیتر نیو مارک" نظریه پرداز سرشناس ترجمه، ترجمه را با توجه به نوع متن و هدف از ترجمه به دو نوع «معنایی و ارتباطی» تقسیم نموده است. "ترجمه معنایی" ترجمه‌ای است که معنای دقیق متن مبدأ را با نزدیک‌ترین ساختهای دستوری و معنایی به زبان مقصد منتقل می‌کند. "ترجمه ارتباطی" ترجمه‌ای است که پیام متن مبدأ را با متداول‌ترین کلمات و عبارات و ساختهای دستوری به زبان مقصد برمی‌گرداند (ناظمیان، ۱۳۸۹: ۲۵).

تفاوت میان ترجمه ارتباطی و ترجمه معنایی مبتنی بر تفاوت میان مفهوم پیام و معنی است معنی با محتوا سروکار دارد در حالی که پیام ناظر بر تأثیر است و از آنجا که پیامهای متون ادبی در ویژگی‌هایی نهفته است که متون ادبی را از بسیاری متون متمایز می‌سازد؛ دریافت و انتقال این پیامها به زبان دیگر یعنی ترجمه آنها بدون در نظر گرفتن این مشخصه‌ها میسر نیست. هرچند در بسیاری از این ترجمه‌ها صرفاً پیام‌ها منتقل می‌شود و بسیاری از مایه‌های زیبایی و مقومات متون ادبی از قبیل موسیقی، شعر، صنایع ادبی، اصطلاحات و برخی از رموز سمبلها و اسطوره‌ها انتقال نمی‌یابد و ترجمه متون ادبی با محدودیتها و مشکلاتی مواجه می‌شود (اقبال، ۱۳۸۸: ۹).

فعالیت‌های ترجمه از دیرباز بوده و در حال حاضر نیز در زندگی روزمره در کل دنیا وجود دارد و شامل موارد زیر می‌شود:

- استخدام، تعلیم و کار نیروهای تحصیل کرده بومی به عنوان مفسر و مترجم در مناطق جنگی از جمله عراق و افغانستان.
- ترجمه هشدار و ویروس برای مشتریان در سرتاسر جهان بر اساس شرکت‌های چند ملیتی.
- ترجمه دفترچه راهنمای محصولات مختلف از قهوه ساز گرفته تا لپ تاپ ترجمه و تفسیر در دادگاه پناهندگی.
- ترجمه در زمینه زبان اقلیت.
- ترجمه و تفسیر در مراکز بهداشتی درمانی مانند بیمارستان زنان و زایمان و کلینیک‌های روان درمانی.
- ترجمه سخنرانیهای سیاسی و بیانیه‌های مطبوعاتی در کنفرانسهای مطبوعاتی.
- ترجمه اخبار جهانی.
- ترجمه و تفسیر زبان ایما و اشاره.
- ترجمه متون ادبی به زبانهای اکثریت و اقلیت.
- استفاده از سیستم حافظه ترجمه و ابزارهای دیگر برای تسهیل ترجمه متون تخصصی.
- ترجمه وب سایت برای تجارت الکترونیک مانند گردشگری ترجمه به عنوان یک شکل از بازنویسی مانند بازنویسی یک داستان کلاسیک برای نسخه‌های کودکانه.
- ترجمه به اقتباس از زمان برای صفحه نمایش و داستانهای افسانه‌ای و یا موزیکال و... (ویلیامز، ۱۳۹۴: ۲۳-۲۴).

۲-۲- اهمیت ترجمه

ترجمه به هر شکلی انجام شود و تأثیرات آن هر چه باشد، مبرهن است که این پدیده که به عنوان مهمترین فرآیند میانجگری در پهنهٔ زبانها و فرهنگ ها مطرح است، همچنان پرسشهای مسئله آفرینی در مورد ماهیت ارتباطات مطرح می کند. علاوه بر این، ترجمه در به دست دادن روشها و ابزارهایی که از طریق آنها جوامع و افراد مختلف بتوانند با یکدیگر تعامل انجام دهند و از همدیگر کسب علم کنند همچنان نقش تعیین کننده ای ایفا خواهد کرد (توانگر، ۱۳۹۹: ۱۲۹). ترجمه خوب ترجمه ای است که بتواند همان تأثیر متن اصلی را در خواننده بگذارد. برای انتقال این تأثیر رعایت سبک و اسلوب نویسنده اهمیت زیادی دارد (ناظمیان، ۱۳۸۹: ۳۴). ترجمه به عنوان یک هنر و فن بر پایه اصول و ساختاری استوار است؛ مترجم برای ایجاد پل ارتباطی بین فرهنگها باید در وهله اول معانی تمام کلمات و اصطلاحات را بلد باشد. در گام بعدی باید ساختار و قواعد هر دو زبان را به کامل ترین شکل مدنظر قرار دهد؛ اگر ترجمه ادبی باشد باید بر علم بلاغت مسلط باشد به شیوه ای که همه تصویرهای فنی و صور خیال زبان مبدا را تشخیص دهد تا بتواند معادل دقیق آن را درک کند. آنچه ترجمه او را پر بار و غنی می کند همان شناخت فرهنگ دو زبان است؛ به طوری که در انتخاب جایگزینی ها نهایت تفنن و هنر را به خرج دهد (کبیری وهمکاران، ۱۴۰۱: ۴۳).

۲-۳- ویژگی های مترجم

مترجم فردی است که کلمات نوشته شده را از زبانی به زبان دیگر انتقال می دهد، مترجمان به بیش از یک زبان تسلط دارند. در صنعت زبان اغلب این زبانها در واقع زبان مادری مترجم هستند و از آنها به عنوان زبان «از» یا «زبان مبدا» و زبان «به» یا «زبان مقصد» یاد می شود. بنابراین به عنوان مثال، مترجمی که انگلیسی زبان مادری او است و به عنوان زبان دوم آلمانی صحبت می کند از آلمانی به انگلیسی ترجمه می کند (مک کی، ۱۴۰۲: ۲۰). از مهمترین ویژگی های یک مترجم فعال و علاقمند در حیطه ترجمه متون بخصوص آثار و متن های ادبی شامل موارد زیر است:

- گسترش غنای واژگانی مترجم
- آگاهی از ظرفیت ها و امکانات زبان مبدأ و مقصد
- ضرورت انس با ادبیات کهن و معاصر
- مراجعه به دیگر آثار نویسنده
- پشتکار و همت و حوصله
- بهترین روش تمرین ترجمه
- پشتکار و همت و حوصله
- بهترین روش تمرین ترجمه
- معادل یابی برای لفظ و معنا
- بسیار خواندن به زبان اصلی
- معادل یابی برای لفظ و معنا
- معادل یابی برای هر واژه در بافت جمله
- ترجمه اصطلاحات
- لفظ گرایی و معنی گرایی
- ترجمه مفهومی و ترجمه تحت اللفظی
- تغییرات مجاز در ترجمه
- ویرایش ترجمه یا بازترجمه (سلیمانی پور و اشرفی، ۱۴۰۰: ۵-۱۰).

۲-۴- روش های ترجمه

امروزه دیگر ترجمه نوعی سرگرمی زائد یا امری نشان دهنده فرهیختگی فرد به شمار نمی رود، بلکه با گامهایی رو به جلو فاصله بسیاری از آن نقش سنتی خود گرفته است و جهان به لطف وسائل ارتباط جمعی تبدیل به دهکده ای کوچک شده است که همه حوادث در زمانی بسیار اندک به زبانهای مختلف ترجمه می شود و در اختیار ملل و گروه های مختلف جامعه قرار می گیرند. در روزگار کنونی ترجمه چنان جایگاه و اهمیتی دارد که تبدیل به ضرورتی حتمی برای همه کشورها و ملل شده است. ناگفته پیداست که ترجمه غیر پایبند به اصل امانتداری، منجر به ایجاد سوء برداشت و ارائه معنایی نادرست به خواننده می شود که خود می تواند مشکلات و یا حتی در برخی موارد، بحرانهایی عظیم را در پی داشته باشد. یافتن یک معادل لفظی مناسب و سازگار با بافت متن جزء چالشهای عام پیش روی مترجمان به شمار می رود و همین امر از عوامل دشوار سازی فرایند عمل مترجم به ویژه در ترجمه متون ادبی نیز به شمار می رود؛ چرا که ساختار مزاجی عاطفی و عقلی انسان از نقطه ای به نقطه دیگر دچار دگرگونی و تحولات مختلفی می شود و در همین چارچوب، مترجم فعال در حوزه ادبیات با چالشهای مختلفی مواجه است و شناخت این چالشها ضرورت و اهمیت پژوهش در این زمینه را دو چندان می کند (گنجیان خناری، ۱۳۹۷: ۹۶).

مترجم بعد از خواندن متن اصلی و فهمیدن موضوع مورد ترجمه، روش ترجمه را انتخاب می کند زیرا ترجمه شیوه ها و روشهای مختلفی دارد که مترجم باید متناسب با موضوع، روش خود را برگزیند. روشهای موجود براساس واحد ترجمه عبارتند از:

(الف) تحت اللفظی (واحد ترجمه واژه)

(ب) عادی (واحد ترجمه جمله)

(ج) آزاد (واحد ترجمه: پاراگراف).

ترجمه عادی از دیگر روشهای ترجمه بهتر است زیرا در ترجمه عادی واحد ترجمه از کلمه بزرگتر است و لذا مترجم به راحتی می تواند قواعد دستور زبان و روش ترتیب اجزای جمله و آرایش کلمات را با توجه به زبان مقصد رعایت کند.

بدین ترتیب جمله زبان مبدأ در زبان مقصد معادل مفهومی دارد، مانند:

- زبان مبدأ: «اَخْتَلَطَ الْحَابِلُ بِالنَّابِلِ».

- زبان مقصد «شیر تو شیر شد».

در این جمله ضمن رعایت قواعد دستوری مفهوم جمله زبان مبدأ به زبان مقصد انتقال یافته است (فاضلی و تقیه، ۱۳۷۹: ۶۶).

۳- اصطلاح و ماهیت ترجمه ادبی

اصطلاح ترجمه ادبی از دیدگاه گیدون توری^۱ (۱۹۹۵: ۱۶۸) به دو چیز متفاوت بر می گردد و لذا دو معنی دارد: یکی ترجمه متنی که در زبان و فرهنگ مبدأ یک متن ادبی به حساب می آید و دیگری ترجمه یک متن به زبان دیگری به آن صورت که آن ترجمه در زبان و فرهنگ مقصد یک متن ادبی تلقی شود. البته در مواردی ممکن است این دو معنی در یک فرایند ترجمه با هم باشند و این وقتی است که متن اصلی ترجمه در زبان مبدأ یک متن ادبی است و ترجمه آن نیز در زبان مقصد یک بازآفرینی ادبی^۲ است و نه یک بازنویسی زبان شناختی^۳. دو معنی ترجمه ادبی یعنی ترجمه یک متن ادبی و ترجمه ادبی یک متن ممکن است دو فرایند مختلف به حساب آیند که در اولی مترجم تلاش می کند تمام عناصر زبان شناختی متن اصلی را بدون توجه به همایی خاص واژگان معنای عمیق اشاره ای و ضمنی و چینش سبکی در یک قطعه ادبی در یک سبک معمول در زبان مقصد بازنویسی کند، در حالی که در فرایند دوم تلاش مترجم بر این است که یک کار ادبی «جدید» در زبان مقصد بازآفرینی کند با تمام ویژگیهای ادبی که در زبان مقصد معمول و قابل قبول و برای خوانندگان آن در فرهنگ مقصد قابل درک و آگاهی بخش است.

¹ Gideon Toury

² literary recreation

³ linguistic reproduction

کاترینا رایس^۴، ترجمه انگلیسی رادز^۵ (۳۶:۲۰۰۰) معتقد است ناقد ترجمه یک متن صورت محور که معمولاً شامل نثر ادبی، نثر تخیلی، و انواع شعر است باید به این نکته توجه کند که آیا مترجم فقط به ترجمه و بازنویسی عناصر زبان شناختی اکتفا کرده و از این سطح بالاتر نرفته است و یا اینکه به ترجمه ادبی هم مبادرت کرده و با دادن آرایش ادبی به ترجمه علاوه بر قدم اول در بازنویسی زبان شناختی، قدم دوم را هم در باز آفرینی ادبی برداشته است. در واقع همین قدم دوم مترجم است که با دادن آرایش ادبی به ترجمه و گنجاندن هنرمندانه محسنات ادبی در آن، آن را از سطح برگردان صرف عناصر زبان شناختی بالاتر می برد و به یک قطعه زیبای ادبی در زبان و فرهنگ مقصد تبدیل می کند (منافی اناری، ۱۳۹۵).

۳-۱- ترجمه ادبی و غیرادبی

وجود تفاوت زبانی و فرهنگی یکی از دلایلی است که برخی از افراد تصور می کنند ترجمه امری ناممکن است، دلیل دیگر رابطه نزدیک بین صورت و معنا در ترجمه ادبی است. اگر ترجمه تمایز دهنده صورت و معنا و تنها حافظ معنا باشد، پس ترجمه ادبی یا ترجمه هر نوع متن دیگری که در آن صورت و معنا با یکدیگر ارتباط نزدیکی دارند ناممکن خواهد بود. متون ادبی باز نمود و یا باز نمودی صرف از جهان نیستند بلکه تا حدودی می توان گفت این متون نمودی از جهان های مختلف را ارائه می کنند که در صورت سنجش با محک جهانی که ما آن را می شناسیم شاید صرفاً خیالی و یا حتی در واقع ناممکن ظاهر شود (گابنر، ۲۰۰۷) در این متون شاید حیوانات سخن بگویند، گیاهان تفکر کنند و یا بتوان در طول زمان سفر کرد. اما صرفاً به این معنا نیست که آنها جهانی را برای ما به تصویر می کشانند که از آنچه ما آن را جهان «واقعی» می دانیم، قابل تشخیص نباشد. نویسندگانی مانند "ساموئل بکت" سخت تلاش کرده اند تا نوشته هایشان چیز دیگری غیر از متن را نشان ندهد یعنی جهانی را که متن بدان اشاره می کند به طور تخیلی نشان ندهد (بوزباتر، ۱۳۹۷: ۶۲).

۳-۲- ماهیت آثار ادبی و ویژگی های ترجمه ای آنها

همه آثار ادبی با کلماتی آغاز می شوند که در گذشته به دفعات به کار رفته اند هرچند ضرورتاً نه با ترکیبی ثابت. معنای جملات آغازین را فقط از این رو درک می کنیم که با ملاک های فرهنگی به سراغ آنها می رویم، ملاک هایی که درک این جملات را برای ما ممکن می سازد. سراغ این جملات که می رویم درباره چیستی اثر ادبی معنای آغاز آثار ادبی و جز اینها هم تصویری داریم. برای اینکه متنی صرفاً قابل فهم شود چیزهای زیادی باید پیشاپیش سر جای خود قرار گرفته باشند. یکی از این چیزها آثار ادبی پیشین است. همه آثار ادبی، حتی به طور ناخودآگاه هم که شده، به سایر آثار ادبی گریز می زنند به رغم همه اینها آغاز یک شعر یا رمان گویی از نوعی سکوت بیرون می جهد، چراکه جهانی خیالی را که پیش از این وجود خارجی نداشته آغاز می کند. شاید این کار چنان که برخی از هنرمندان رمانتیک باور داشتند با آفرینش الهی قرابت دارد (ایگلتن، ۱۳۹۵: ۱۵).

اینگاردن اثر ادبی هنری را اینگونه ستایش می کند: «اثر ادبی یک اعجاز حقیقی است وجود دارد زندگی می کند و بر ما تأثیر می گذارد، زندگانی ما را به غایت غنا می بخشد. اوقات ما را از بهجت و شغف سرشار می کند و رخصت می دهد تا به ژرفنای هستی رسوخ کنیم و با وجود این صرفاً یک شاکله آنتیک دگر آیین است که از حیث خودآیینی آنتیک، هیچ است. اگر بخواهیم آن را به شکل نظری ادراک کنیم، پیچیدگی و وجوه متعددی را نشانمان می دهد که به دشواری می توان آنها را فهمید؛ با این حال حین تجربه زیباشناختی یکپارچه و یگانه در برابر ماست و مجال می دهد تا این ساختار پیچیده طی این تجربه پیش چشمانمان بدرخشد. وجود اثر ادبی از حیث آنتیک دگرآیین است و لذا کاملاً منفعل به نظر می رسد و در برابر تمامی مداخلات ما بی دفاع است. با این همه به واسطه تعیین یافتگی هایش زندگی ما را عمیقاً دگرگون می کند، آن را وسعت می بخشد، به فراسوی و هستی سطحی هر روزه بر می کشد و درخششی دلربا بدان می بخشد. اثر ادبی یک «هیچ» است و با وجود این جهانی شگفت و شگرف است. حتی اگر به لطف ما به وجود آید و دیر پاید (بوالقاسمی، ۱۳۹۵: ۱۷).

⁴ Reiss

⁵ Rhodes

ترجمه متن ادبی، سخت ترین نوع ترجمه است و با چالشهای ویژه ای روبه روست که باعث دشواری بیش از پیش ترجمه می شود. این نوع از ترجمه نیازمند بحثهای نظری است تا راهکارهایی برای ترجمه بهتر و توفیق بیشتر مترجمان ارائه دهد. هر مترجم ادبی با سه چالش کلی و بنیادین روبه رو است که عبارتند از: «چالش نوع متن»، «چالش خواننده»، «چالش اجزای متن». از این میان چالش اجزای متن را می توان به «چالش الفاظ»، «چالش اصطلاحات و تعابیر اصطلاحی»، «چالش ساختار جمله و ترکیب» و... تقسیم کرد. از این رو، مترجم باید به این چالشها و راه های برون رفت از آنها توجه داشته باشد تا در ترجمه خود گرفتار به کارگیری الفاظ ناشناخته و غریب و نیز ساختارهای نامأنوس نشود که منجر به تضعیف سطح ترجمه و کاهش میزان اثر گذاری آن گردد (گنجیان خناری، ۱۳۹۷: ۹۵).

"ادموند کاری" استاد ترجمه و نویسنده کتاب ترجمه در دوران مدرن می گوید: «ترجمه ادبی یک روند زبانی نیست بلکه یک فرآیند ادبی است و ترجمه شاعرانه یک فرایند شاعرانه است و وقتی آنچه شاعران نوشته اند ترجمه می کنیم، باید خود را به عنوان شاعر بدانیم. مثلاً؛ اگر متن اصلی حاوی عبارت "دلم می خواهد" باشد؛ جایز نیست به "قلبی یرید" به زبان عربی ترجمه شود، زیرا جمله ای که در فارسی به کار رفته است به معنی: مایل شدن به چیزی، دوست داشتن، میل کردن است، لذا مترجم باید با اصطلاحات فارسی که جنبه معنایی دارند آشنا باشد. مترجم نمی تواند بر ترجمه تسلط داشته باشد مگر اینکه دارای برخی ویژگیها باشد از جمله: داشتن پایه گسترده ای از واژگان زبان و آشنایی با اصطلاحات و همچنین مطالعه عمیق علاوه بر تمرین نوشتن، خواندن و تبحر در درک متون و دستور زبان و بلاغت و بیان آنها و دانش دو زبان مبدا و هدف است (رمضان، ۱۴۰۲: ۳۲).

توانایی جلب توجه خواننده به متن ادبی ترجمه شده و تحریک آن هنگام انتقال ایده نویسنده به صورت حرفه ای، استعدادی است که مترجم باید از آن برخوردار باشد خلاقیت در زمینه ترجمه ادبی به مهارت و فرهنگ مترجم و دانش وی در اصطلاحات به دو زبان اصلی و مقصد بستگی دارد تا متن ادبی زیبایی تولید کند که خواننده از آن لذت ببرد بدون استعداد هنری و مایه های نویسندگی نمی توان از عهده ی ترجمه ادبی برآمد. مترجم باید این استعداد و مایه را داشته باشد و یا آنکه با تحمل سختی و رنج بسیار آنها را در خود رشد دهد (حدادی، ۱۳۸۴: ۷۰).

برخی ترجیح می دهند ترجمه تحت اللفظی باشد حتی اگر تصویر زیبایی شناختی از متن اصلی ظاهر نشود استدلال آنها اعتماد در انتقال متن به همان شکلی است که بدون تغییر بود. و برخی دیگر تأکید می کنند که یک نوآوری جدید در مدار متن اصلی اتفاق می افتد و استدلال آنها تحقق هدف متن اصلی است که همان لذت هنری که نشانگر استعداد نویسنده است.

"آنتوان پوپوویچ" در مورد ترجمه ادبی دو پاراگراف بسیار پر معنی دارد می گوید: ترجمه ادبی، ترجمه تحت اللفظی به قصد انتقال موضوع نیست و بیشتر ارتباط طبیعی جوهر معناست. در عین حال، انتقال ارزش هنری متن مبدأ نیز هست.. هدف از مطالعه یافتن ارزش کامل متن ترجمه شده مانند اثری هنری است و آنچه نیاز داریم، نظامی است که این ارزشها را تعیین کند (عشقی، ۱۳۷۷: ۱۳۰). هدف اصلی فرآیند ترجمه، ایجاد متن به زبانهای مختلف به منظور دستیابی به مخاطبی است که آثار ترجمه شده را برای مخاطبان کشور دیگر می داند (امین الخزاعی، ۱۴۰۰: ۲).

۳-۳- نقش مترجم در ترجمه ادبی

بدون در نظر گرفتن مترجم نمی توان هیچ یک از چالشهای فرایند ترجمه را بررسی کرد؛ چراکه مترجم عنصری کانونی و مرکزی در فرایند ترجمه به شمار می آید و از همین رو، فرایند ترجمه هرگز نمی تواند با یک دید موضوعی (عینی) مجرد صرف تحقق یابد. با توجه به اینکه شخص مترجم جزئی از محیط فرهنگی پیرامون خود به شمار می رود، در باب اصول و روشهای کاربردی در ترجمه نیز نقش محوری دارد؛ چراکه مترجم، یک متن را از نو بازتولید یا بازآفرینی می کند و متن را در محیط و فرهنگی غیر از محیط و فرهنگ اولیه آن وارد می سازد. بر این اساس مترجم علاوه بر تسلط بر زبان بیگانه و به کار گیری بهینه لغت نامه ها باید ویژگی دیگری نیز داشته باشد (حماد، ۲۰۰۲: ۲۴۳).

مترجم در ترجمه، رویکردی میانه را در پیش می گیرد و در برخی موارد می تواند در چارچوب مجموعه ای از شرایط، دخالت‌هایی را نیز صورت دهد. یکی از این شروط آگاهی وی به ریشه ها و خاستگاه های فرهنگی و تمدنی به کار رفته از زبان مبدأ در اثر ادبی است؛ چرا که هرگز نمی توان مترجمی را یافت که بتواند از درجه معینی از تأثیر شخصی در فرایند عمل خود اجتناب نماید. مترجم در فرایند تفسیر خود از اثر ادبی و در فرایند گزینش کلمات و ساختارهای اسلوبی مورد نظر در ترجمه قطعاً تحت تأثیر بازتاب های مؤلف و اثر او در شخصیت خود قرار می گیرد بی آنکه اصل امانتداری نادیده گرفته شود، باید پذیرفت که مترجم باید تا حد امکان از دخالت شخصی در فرایند انتقال پیام بر کنار باشد. از سوی دیگر هرگز نباید مترجم را نوعی ماشین یا ربات فرض کرد. در هر حال، او در فرایند ترجمه خود ویژگیهای شخصی خویش را در اثر ترجمه شده بر جای خواهد گذاشت. بر این مبنا، هر مترجمی باید روشن کند که تا چه میزان در اثر ادبی، شخصیت خود را بی آنکه با مقصود مؤلف اصلی اثر تناقض داشته باشد در روند ترجمه دخالت خواهد داد و این امر همان چیزی است که می توان از آن به عنوان "حس ترجمه" یاد کرد (همان: ۲۴۴).

این حس رابطه متن مبدأ با متن مقصد را نظم می بخشد و روشن می سازد در کجا باید به متن به شکل لفظی متعهد ماند و در چه مواردی چگونه و چرا می توان از آن چارچوب لفظی خارج شد. این بخش همان جنبه فنی ترجمه به شمار می رود که وارد ساختن آن در فرمولها و قالبهایی جامد و خشک بسیار دشوار و غیر ممکن می نماید. در واقع، این حس یک استعداد درونی است که تحت تأثیر تجربه و ممارست صیقل می یابد و به ابزاری کارآمد در دستان مترجم تبدیل می شود. بنابراین ترجمه ادبی در ابتدا نیازمند وجود حسی ادبی و خلاقیتی فراتر از خلاقیت مورد نیاز در ترجمه علمی می باشد؛ چرا که متن ادبی به همراه خود در بردارنده ابعادی زیبایی شناختی نیز می باشد که در کنار مضمون درونی آن قرار می گیرد. از سوی دیگر، در برخی موارد ممکن است زبان مبدأ چنان دشوار و پیچیده باشد که مترجم در تعامل خود با آن دچار مشکلاتی بزرگ گردد. از این رو، همزیستی مترجم با آثار ادبی یکی از راههای پیش روی وی در مسیر انتقال دقیق و امانتدارانه عناصر زیبایی شناختی موجود در متن مبدأ به شمار می رود (ماری برکات، ۲۰۰۶).

۴-۳- چالش های ترجمه متون ادبی

برای اینکه منتقد ادبی باشیم باید چیزهای مختلفی را یاد بگیریم از جمله نحوه به کار بردن برخی تکنیکها. این تکنیکها را مانند خیلی از تکنیکهای دیگر مثل غواصی یا ترومبون زدن در عمل بهتر می توان یاد گرفت تا در نظریه. همه این تکنیکها متضمن توجه دقیق تر به زبان است؛ خیلی بیشتر از دقتی که معمولاً صرف یک دستورالعمل آشپزی یا فهرست کارهایی که باید انجام دهیم می کنیم (ایگلتن، ۱۳۹۵: ۱۴).

رایج ترین اشتباه دانشجویان ادبیات این است که مستقیماً به سراغ محتوای شعر یا رمان می روند و نحوه بیان آن را نادیده می گیرند. این گونه خوانش اثر ادبی به معنای نادیده گرفتن «ادبیت» آن است یعنی فراموش کردن این واقعیت که اثر مورد بحث شعر یا نمایشنامه یا رمان است نه گزارش حادثه. وقتی می گوییم "اثری ادبی" است، یکی از معانی آن این است که آنچه گفته شده باید در چهارچوب چگونگی بیان آن بررسی شود.

اثر ادبی نوعی نگارش است که محتوای آن از زبانی که این محتوا به میانجی آن بیان شده، جدایی ناپذیر است. زبان، پدیدآورنده این واقعیت و تجربه است نه صرفاً وسیله ای برای بیان آن. مثلاً به این تابلو راهنمایی و رانندگی توجه کنید: «جاده در دست تعمیر است طی بیست و سه سال آینده احتمالاً زمانی طولانی در ترافیک جاده فرعی "را مزباتم" گیر خواهید کرد. در این نوشته زبان فقط ابزاری است برای فکری که می شود آن را به شیوه های گوناگون بیان کرد. حتی ممکن است مقام مسئول مبتکری این نوشته را به صورت نظم درآورد در صورتی هم که ندانند این گذرگاه تا چه مدتی قابل استفاده نیست شاید کلمه «بسته» را هم با عبارت «خدا می داند» قافیه کنند. درست بر عکس نوشته روی تابلو «سوسنهایی که بویی بدتر از علفهای هرز دارند» را به راحتی نمی توان به شکلی دیگر بیان کرد مگر اینکه آن را یکسر ویران کنیم این یکی از دلایلی است که آن را شعر تلقی می کنیم.

گفتن اینکه در آثار ادبی باید آنچه را که انجام شده در چهارچوب نحوه انجام دادن آن ببینیم، به این معنا نیست که شکل و محتوا همیشه خوب با هم جفت و جور می شوند، مثلاً می توان چرخه زندگی موش صحرایی را با شعر آزاد "میلتنی" شرح داد؛ یا می توان با

وزنی محدود کننده درباره میل خود به آزادی نوشت. در چنین مواردی شکل با محتوا به طرز جالبی در تضاد است. "جورج اورول" در رمان مزرعه حیوانات تاریخ پیچیده انقلاب بلشویکی را در شکل حکایتی ظاهراً ساده درباره حیوانات مزرعه بیان می کند. در چنین مواردی ممکن است منتقدان درباره تنش میان شکل و محتوا حرف بزنند و شاید این اختلاف میان شکل و محتوا را بخشی از معنای اثر تلقی کنند (ایگلتون، ۱۳۹۵: ۵-۸).

متن های ادبی به لحاظ شکل محتوا و مقاصد ارتباطی با سایر متون متفاوت اند و می توان آنها را حاصل مراوده فردی نویسنده با امکانات بیانی و جهان فرامتنی دانست. در حالی که خصیصه بارز متون علمی استفاده مدام از عبارتهای خنثی، تخصصی، دقیق و مرتبط با موضوع مقاله و نیز اجتناب از به کارگیری اصطلاحات تداعی کننده است. متن های ادبی در برگیرنده شمار زیادی از نشانه های نمادین یا تمثیلی هستند که گاه معنای مبهمی دارند و گاه به بافت های برون متنی ارجاع می دهند (خدایی، ۱۳۹۰). افزون بر این متنهای ادبی تا حد زیادی دارای بار فرهنگی اند (امیری، ۲۰۱۸). که اساساً ریشه در نشانه ها و کدهایی منحصر به فرد برگرفته از یک بافت فرهنگی خاص دارند (خدایی، ۱۳۹۰). تا جایی که مترجم متون ادبی مجبور است همواره در رابطه با ابعاد مختلف معنایی تصمیمات زیادی اتخاذ کند و در عین حال در جهت شفاف سازی جنبه های گوناگون اجتماعی فرهنگی برای خواننده بومی گام بردارد (امیری، ۱۴۰۲: ۳۹). نقش مترجم در این قسمت همانند انسانی است که علاوه بر برگردان متن، درهای فرهنگ را به روی مردم و دیگر اجتماعات بیگانه یا متفاوت باز می کند. هر مترجمی در واقع نقش میانجی فرهنگی را بازی می کند که موظف است ابتدا نشانه ها و کدهای منحصر به فرد فرهنگی را درک و تفسیر کند و سپس تصمیم بگیرد چگونه می تواند عناصر بومی متن ادبی را که تنها با هنجارهای فرهنگی همان زبان مطابقت دارند با منابع موجود در زبان مقصد هماهنگ کند (خدایی، ۱۳۹۰)، بنابراین ترجمه چیزی نیست که تنها در سطح واژگانی بماند، بلکه درک مفاهیم معمولاً نسبتی مستقیم با شناخت مؤلفه های فرهنگی، دینی و نیز فضای اجتماعی برهه های زمانی مختلف دارد. از این رو می توان گفت همه چالشهای ترجمه در اثر ساختارهای پیچیده دستوری به وجود نمی آیند بلکه بخش اعظمی از مشکلات مربوط به مفاهیم دارای بار خاص فرهنگی و اجتماعی می شوند که در زبان بیگانه برای آنها معادل یک به یک وجود ندارند (امیری، ۲۰۱۷). به همین نسبت برخلاف آموزش زبان که در آن پیوسته به دنبال معرفی کنش گفتارهای اصلی و استفاده اصیل از آنها در موقعیتهای زندگی روزمره هستیم، در ترجمه، به ویژه ترجمه متون ادبی حفظ اصالت و اعتبار نویسنده و نیز توجه به بافت خاص فرهنگی اجتماعی زبان مبدأ و همزمان داشتن نگاه جامع به جهان بینی و درک خواننده اثر ترجمه شده در زبان مقصد از اهمیت به سزایی برخوردار است (امیری، ۱۳۹۹).

ترجمه یک متن را موقعی می توان مطلوب قلمداد کرد که متن زبان مبدأ بدون هرگونه تغییر و حذف و یا اضافه چه در فرم و چه در محتوا به زبان مقصد انتقال یابد و تأثیر آن نیز حفظ شود اما فرایند این انتقال با توجه به تفاوت ساختاری زبانها و اختلافات فرهنگی که ریشه در تفکر ملل مختلف جهان دارد بسیار سخت و در مواردی با اما و اگرهایی چند روبه رو بوده است و به همین دلیل حتی برخی از متفکران به تحقق ترجمه به دیده شک و تردید می نگرند و محصولات ترجمه را زیر سؤال برده اند (حدادی و پروان، ۱۳۹۷: ۳-۴). یکی از مهمترین گزاره ها درباره این مهم می تواند نگاه گذرا و کم عمق مترجم به بحث ارتباط ژرف میان ادبیات و فرهنگ باشد زیرا شمار افراد زبده ای که با داشتن تسلط کافی بر مؤلفه های فرهنگی هر دو زبان قادر باشند ترجمه ای اصیل به وجود آورند و اشتیاق به فرهنگ اصیل زبان مقصد را در خواننده بیدار کنند بسیار محدود است (مرادی و همکاران، ۲۰۱۳).

۳-۵- تکنیک مقابله در ترجمه

هزار نکته باریک تر از مو در فن، هنر، و مهارت ترجمه وجود دارد که آنها را فقط در عمل می توان آموخت، و آموختن شان سال ها طول می کشد. کلیدی ترین و کارسازترین نکته و توصیه ای که بیشتر مترجمان ممتاز و معلمان کهنه کار ترجمه، به اتفاق، بر آن تأکید می کنند، تمرین ترجمه از روی دست زبردست ترین مترجمان است؛ یعنی کنار هم قرار دادن متن اصلی و ترجمه آن، و دقت در ظرایف و لطایف کار مترجم، و آموختن همان نکته های باریک تر از مو، که در هیچ کتابی نوشته نشده است. معمولاً به این کار، «مقابله» می گویند، ما از آن به «مشق ترجمه» تعبیر می کنیم. دانشجویان، پژوهشگران، و همه کسانی که به مهارت ترجمه علاقه یا نیاز دارند، پس از فراگیری

اصول کلی ترجمه، با مقابله گزیده ترجمه‌های ممتاز با متن اصلی، می‌توانند مسیر دشوار و ناهموار ترجمه‌آموزی را سریع‌تر و آسان‌تر طی کنند. مقابله و بررسی ترجمه‌ها با متن اصلی، دشواری‌هایی دارد و شاید انجام آن برای هر ترجمه‌آموز تازه‌کاری آسان نباشد (سلیمانی‌پور و اشرفی، ۱۴۰۰: ۴). سبک یا نحوه نگارش نویسنده متن اصلی نیز تا حد امکان باید در ترجمه رعایت شود. گرچه سبک نسبت به معنی در درجه دوم اولویت قرار دارد ولی نمی‌توان آن را به‌ویژه در ترجمه ادبی نادیده گرفت. این موضوع در متن‌های ادبی بیشتر اهمیت می‌یابد؛ زیرا متن‌های ادبی با سبک‌های ویژه‌ای نوشته می‌شوند و در این گونه متن‌ها سبک به اندازه محتوا مهم است.

۴- نتیجه‌گیری

باتوجه به تعریف‌هایی از ترجمه و تبیین ماهیت آن در علوم ادبیات، به این نتایج دست می‌یابیم که اولاً: ترجمه با وجود پیچیده بودن، تجربه‌ای موفق در تبادل فرهنگها، شناخت ره آورد فکری ملتها و فهم میراث ادبی بیادگار مانده آنها در قالب متون نظم و نثر است. ثانیاً: ترجمه متون ادبی سخت‌ترین نوع ترجمه می‌باشد که با توجه به ظرافت‌های نکات ادبی نیازمند آگاهی و تسلط کافی مترجم به علوم چون بلاغت و تصاویر فنی و شناخت فرهنگ زبان مبدأ و نحوه تأثیر آن در خواننده زبان مقصد می‌باشد. ثالثاً: با توجه به اینکه متون و آثار ادبی و هنری دارای ویژگی‌های خاص خود هستند مترجمان باید بکوشند تا با مطالعه دقیق ویژگی‌های ترجمه خوب و نظریات اندیشمندان بزرگ در حیطه ترجمه و مطالعات ترجمه، هم به شکوفایی این رشته جذاب و پرطرفدار در جهان کمک نمایند و هم بارعایت نکات و اصول مربوط به ترجمه و خلق آثار ترجمه شده ناب و ارزشمند، برعلاقمندی خوانندگان آثار ادبی و هنری بیفزایند.

منابع

- ابوالقاسمی، محمد رضا (۱۳۹۵). هستی‌شناسی موسیقی و اثر ادبی از دیدگاه رومن اینگاردن. نشریه حکمت و فلسفه، سال دوازدهم، شماره چهارم، صص ۷-۲۲.
- امیری، آنیثا (۱۴۰۲). ترجمه متون ادبی، بررسی رابطه متقابل زبان و فرهنگ عامه در حوزه آموزش ترجمه. نشریه مطالعات زبان و ترجمه، دوره ۵۶، ش ۲، صص ۳۳-۶۹.
- امیری آ. (۱۳۹۹). بهره‌گیری از راهکارهای رویکرد ادبی به منظور بالا بردن سطح مهارت‌های نوشتاری دانشجویان رشته زبان آلمانی نقد زبان و ادبیات خارجی، ۱۷ (۲۵)، ۱۵-۴۳. <https://doi.org/10.52547/clls.17.25.1543>
- امین‌الخرزاعی، عمر (۱۴۰۰). نقش ترجمه ادبی جهانی در گسترش فرهنگ مردم (آثار ادبی ایرانی در عراق نمونه‌ای). پنجمین همایش بین‌المللی زبان و ادبیات فارسی.
- ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۳۶۴). لسان العرب، افست ادب الحوزه، ج ۲، ص ۲۲۹.
- اقبالی، عباس (۱۳۸۸). گامی در ترجمه شعر کلاسیک عربی، براساس فرایند نحوی. تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- ایگلتن، تری (۱۳۹۵). آثار ادبی را چگونه باید خواند؟ مترجمان: صادقی، بهزاد و ملکی، محسن. تهران: ناشر شرکت نشر کتاب هرمس.
- حدادی، محمود (۱۳۸۴). مبانی ترجمه. تهران: انتشارات رهنما.
- حقانی، نادر (۱۳۹۹). نظرها و نظریه‌های ترجمه. تهران: انتشارات آذین. چاپ سوم. ص ۵۳.
- حماد، أحمد (۲۰۰۲م). الترجمة الأدبية بين قيود النص وحرية الإبداع». مجلة عالم الفكر. ش ۴. ج ۳۰ الكويت: المجلس الوطني.
- رمضان، صنيه (۲۰۱۴). استراتيجيات الترجمة الادبية، پایان نامه کارشناسی ارشد دانشگاه الحاج لخضر، باتنه، الجزائر.
- سلیمانی‌پور، روح‌الله و اشرفی، نیما (۱۴۰۰). مشق ترجمه/ یادگیری شیگردهای ترجمه از روی دست مترجمان ممتاز، تهران، نشر نویسه پارسی.
- صلح جو، علی (۱۳۶۶). بحثی درباره ترجمه. تهران نشر دانشگاهی. ص ۴۳. برگزیده مقاله‌های دانش زیر نظر نصرالله پورجوادی.
- عشقی، فاطمه (۱۳۷۷). آیا ترجمه ادبی نوع خاصی از ترجمه است؟ نوشته ژ دابلنه، فصلنامه زبان و ادب، شماره ۶.
- فاضلی، محمد؛ تقیه، محمد حسن (۱۳۷۹). روش صحیح در ترجمه (عربی-فارسی). تهران: نشریه علوم انسانی. دوره ۴، ش ۳.
- کبیری، محمد؛ همکاران (۱۴۰۱). مقایسه ساختار ترجمه عربی و فارسی رمان "پیامبر" جبران خلیل جبران (براساس الگوی کارمن گارسیا).

- گنجیان خناری، علی (۱۳۹۷). دو فصلنامه علمی - پژوهشی پژوهشهای ترجمه در زبان و ادبیات عربی، سال ۸ شماره ۱۸ بهار و تابستان ۱۳۹۷.
- ماری برکات، جندی. (۲۰۰۶م). أثر ثقافة اللغة الأم على الترجمة. بیروت: دار الفكر.
- مک کی، کورین (۱۴۰۲). آنچه درباره حرفه ترجمه باید بدانید. مترجم: سنجرانی، ابوالفضل. تهران: انتشارات تالیف.
- منافی اناری، سالار (۱۳۹۵). روش ها و نقد و بررسی ترجمه. تهران: دانشگاه علامه طباطبائی. چاپ اول.
- ناظمیان، رضا (۱۳۸۹). روش هایی در ترجمه از عربی به فارسی. تهران: انتشارات سمت.
- نیدا، یوجین آلبرت و تیبر، چارلز. آر (۱۳۹۳). نظریه و عمل در ترجمه، مترجمان: زهرا داوریان، آناهیتا امیرشجاعی، چاپ اول، ناشر: نوروزی.
- ویلیامز، جنی (۱۳۹۴). نظریه های ترجمه. مترجم: رعنا سفندیاری. تهران: نشر مهتاب.
- هاووس، جولیان (۱۳۹۹). ترجمه. مترجم: منوچهر توانگر. تهران: نشر علمی. چاپ اول.
- Amiri, A. (2018). Authentizität und Wertkonflikte [Authenticity and value conflicts]. Shaker.
- Hadadi, M. H., & Parvan, H. (2021). Farayand va barayand tarjomeh az bod tajrobi [The process of translation from an empirical perspective]. University of Tehran Press.
- Gavins, J. (2007). Text World Theory: An Introduction. Edinburgh: Edinburgh University Press.
- Moradi, F., Nanquette, L., Hosseinipour, M., Amiri, A., & Rakhimov, D. (2013). Publishing in Persian language. International Alliance of Independent Publishers.
- Khodaei, N. (2011). Die Herausforderung der literarischen Übersetzung [The challenge of literary translation]. In N. Khodaei (Eds.), Sprache und Literatur in interkultureller Perspektive [Language and literature from an intercultural perspective] (pp.78-101). Teheraner Universität Verlag.
- Reiss, K. (2000): Translation Criticism - the Potentials and Limitations. Translated by Erroll F. Rhodes. Manchester: St. Jerome Publishing.
- Toury, Gideon. (1995). Descriptive Translation Studies and Beyond. Amsterdam/Philadelphia: J. Benjamins Publishing Company.